

این متن از روی «کلیات عبید زاکانی - با تصحیح و مقدمه‌ی عباس اقبال آشتیانی چاپ انتشارات اقبال تایپ شده است. متأسفانه هیچ جای کتاب تاریخ چاپ وجود ندارد، فقط در پایان مقدمه‌ی استاد اقبال اردیبهشت ۱۳۳۲ آمده است که به نظرم تاریخ چاپ اول کتاب است. در کتاب به جای الفاظ رکیکه نقطه‌چین گذاشته بودند که به جایش کلمات مورد نظر را گذاشتم (به نظرم همه‌چیز درست است و اگر اشتباه است حتما خبر کنید) و کمی علامت‌گذاری و خط نسبت به کتاب تغییر کرده است. نظرات و پیشنهادات را با این آدرس مطرح کنید: [amin177@yahoo.com](mailto:amin177@yahoo.com)

رساله‌ی صد پند

مولانا عبید زاکانی

بر رای اصحاب نظر و فراست عرضه می‌دارد که متکلم این حروف - عبید زاکانی ، بلغه الله غایه الامانی - اگرچه در علم مایه و در هنر پایه ندارد اما از اوان جوانی به مطالعه‌ی کتاب و سخن علما و حکما اهتمام داشت.

تا در این روزگار که تاریخ هجرت به هفتصد و پنجاه رسید از گفتار سلطان‌الحکما، افلاطون، نسخه‌ای مطالعه افتاد که برای شاگرد خود ارسطو نوشته بود و یگانه‌ی روزگار، خواجه نصیرالدین طوسی، از زبان یونان به زبان پارسی ترجمه کرده و در اخلاق ثبت نموده با چندین نامه علی‌الخصوص پندنامه‌ی شاه عادل، انوشیروان، که بر تاج ربیع فرموده. به خواندن آن خاطر را رغبتی عظیم شد و بر آن ترتیب پندنامه‌ای اتفاق درویش‌نامه، از شائبه‌ی ریا خالی و از تکلفات عاری تا نفع او عموم خلایق را شامل گردد و مولف نیز به واسطه‌ی آن از صاحب‌دلی بهره‌مند شود. امید که همگان را از این پند کلمات حظی تمام حاصل آید.

بیت:

اگر شربتی بایدت سودمند      ز داعی شنو نوشداروی پند

ز پرویزن معرفت بیخته      به شهد ظرافت برآمیخته

۱. ای عزیزان عمر غنیمت شمردید.
۲. وقت از دست مدهید.
۳. عیش امروز به فردا میندازید.
۴. روز نیک را به روز بد مدهید.
۵. پادشاهی را نعمت و غنیمت و تندرستی و ایمنی دانید.
۶. حاضر وقت باشید که عمر دوباره نخواهد بود.
۷. هرکس که پایه و نسبت خود را فراموش کند به یادش میارید.
۸. بر خود پسندان سلام مدهید.
۹. زمان ناخوشی را به حساب عمر مشمرید.
۱۰. مردم خوش‌باش و سبک‌روح و کریم‌نهاد و قلندر مزاج را از ما درود دهید.
۱۱. طمع از خیر کسان ببرید تا به ریش مردم توانید خندید.
۱۲. گرد در پادشاهان مگردید و عطای ایشان به لقای دربانان ایشان بخشید.
۱۳. جان فدای یاران موافق کنید.
۱۴. برکت عمر و روشنایی چشم و فرح دل در مشاهده‌ی نیکوان دانید.
۱۵. ابرو در هم کشیدگان و گره در پیشانی آورندگان و سخن‌های به‌جد گویان و ترش‌رویان و کج‌مزاجان و بخیلان و دروغ‌گویان و بدادبان را لعنت کنید.
۱۶. خواجهگان و بزرگان بی‌مروت را به ریش تیزید<sup>۱</sup>.

---

<sup>۱</sup>تیزیدن: خارج کردن باد صدا دار از مقعد؛ گوزیدن. در واقع یعنی: به ریش خواجهگان و ... بگوزید.

۱۷. تا توانید سخن حق مگویید تا بر دل‌ها گران مشوید و مردم بی‌سبب از شما نرنجند.
۱۸. مسخرگی و قوادی و دفزنی و غمازی و گواهی به دروغ دادن و دین به دنیا فروختن و کفران نعمت پیشه‌سازی تا پیش بزرگان عزیز باشید و از عمر برخوردار گردید.
۱۹. سخن شیخان باور مکیند تا گمراه نشوید و به دوزخ نروید.
۲۰. دست اردات در دامن رندان پاک‌باز زنید تا رستگار شوید.
۲۱. از همسایگی زاهدان دوری جوید تا به کام دل توانید زیست.
۲۲. در کوچه‌ای که مناره باشد وثاق مگیرید تا از درد سر موذنان بدآواز ایمن باشید.
۲۳. بنگیان را به لوت<sup>۲</sup> و حلوا در یابید.
۲۴. مستان را دست گیرید.
۲۵. چندانکه حیات باقیست، از حساب میراث‌خوارگان خود را خوش دارید.
۲۶. مجردی و قلندری را مایه‌ی شادمانی و اصل زندگانی دانید.
۲۷. خود را از بند نام و ننگ برهانید تا آزاد توانید زیست.
۲۸. در دام زنان میفتید، خاصه بیوه‌گان گره‌دار.
۲۹. از بحر جماع سرد، حلال عیش بر خویش حرام مکنید.
۳۰. دختر فقیهان و شیخان و قاضیان و عوانان مخواهید و اگر بی‌اختیار پیوندی با آن جماعت اتفاق افتاد عروس را به کون سو برید تا گوهر بد به کار نیورد و فرزندان گدا و سالوس و مزور و پدر و مادر آزار از ایشان در وجود نیاید.
۳۱. دختر خطیب در نکاح می‌آورید تا ناگاه خرکره نزاید.
۳۲. از تنعم دایگان و حکمت‌قابله و حکومت‌حامله و کلکل‌گهواره و سلام‌داماد و تکلیف‌زن و غوغای بچه، ترسان باشید.
۳۳. جلق‌زنی را به از غرزنی دانید.

---

<sup>۲</sup>طعام، طعمه، خورش، همان چیزی که ما کره‌خوری می‌گوییم.

۳۴. در پیری از زنان جوان پیروی خواهید.
۳۵. بیوه‌زنان را به رایگان مگایید.
۳۶. زن خواهید تا قلتبان<sup>۳</sup> مشوید.
۳۷. پیرزنان را سر به کلوخ کوب بکوبید تا درجه غازیان دریابید.
۳۸. بر سر راه‌ها به قامت بلند زنان و چادر مهرزده و سربند ریشه‌دار از راه مروید.
۳۹. مال و کون غلامان بر خود مباح دانید تا شما را مباحی تمام توان خواند.
۴۰. آلت خاییدن و گاییدن یک زمان بیکار مدارید.
۴۱. مردان مست را چون خفته دریابید تا بیدار نشوند فرصت را غنیمت دانید.
۴۲. زکات کیر به مستحقان رسانید، چون زنان مستور که از خانه بیرون نتوانند رفتن و حیزان پیر و مفلس و کونیان ریش آورده که از کسب مانده باشند و زنان جوان شوهر به سفر رفته که زکات دادن یمنی عظیم دارد.
۴۳. طعام و شراب تنها مخورید که این شیوه کار قاضیان و جهودان باشد.
۴۴. حاجت بر گدازادگان مبرید.
۴۵. غلام بچگان ترک را تا بی‌ریشند به هر بها که فروشند بخرید و چون آغاز ریش آوردن کنند به هر بها که خردن بفروشید.
۴۶. در کودکی کون از دوست و دشمن و خویش و بیگانه و دور و نزدیک دریغ مدارید تا در پیری به درجه‌ی شیخی و واعظی و جهان‌پهلوانی و معروفی برسید.
۴۷. غلام نرم دست خرید نه سخت مشت.
۴۸. شراب از دست ساقی ریش‌دار مستانید.
۴۹. در خانه‌ی مردی که دو زن دارد آسایش و خوش‌دلی و برکت مطلبید.

---

<sup>3</sup> بیشتر جاها باغ نوشته می‌شود ولی چون در کتاب باق نوشته بود، همان‌طور تایپ کردم به معنی مرد بی‌غیرت به کار می‌رود.

۵۰. از خاتونی که قصه‌ی ویس و رامین خواند و مردی که بنگ و شراب خورد مستوری و کون درستی توقع مدارید.
۵۱. دختر همسایه را از کونسو فرو برید و گرد مهر بکارت مگردید تا طریقه‌ی امانت و شفقت و مسلمانی و حق همسایگی رعایت کرده باشید و شب عروسی دخترک در محل تهمت نباشد و از داماد خجالت نبرد و در نزد مردم روسفید باشد.
۵۲. حاکمی عادل و قاضی که رشوت نستاند و زاهدی که سخن به ریا نگوید و حاجبی که با دیانت باشد و کون درست صاحب دولت در این روزگار مطلبید.
۵۳. بر زنان جوان شوهر به سفر رفته و عاشقی که بار اول به معشوق رسد و کیرش برنخیزد و شاهی که در مجلس رود و حریف او را نپسندد و بیرون کند و به گروهی نیممست که شرابشان ریزد و جوانی که به دست سلیطه‌ی پیر گرفتار باشد و دختری که بکارت به باد داده و شب عروسی نزدیک رسیده رحمت آرید تا خدا بر شما رحمت آرد.
۵۴. زنان را در حال نزع چندانکه مقدور باشد بگایید و آنرا فرصت و وقت تمام دانید.
۵۵. از کودکان نابالغ به میان پای قانع شوید تا شفقت به جای آورده باشید.
۵۶. آنک را پهلوان مخوانید که پشت دیگری به زمین تواند آورد بلکه پهلوان حقیقی آن را دانید که روی بر خاک نهد و از روی ارادت یک گز کیر در کون گیرد.
۵۷. بر وعده‌ی مستان و عشوه‌ی زنکان و عهد قحبگان و خوش آمد کونیان کیسه مدوزید.
۵۸. با استادان و پیش‌قدمان و ولیعهدان و کسانی که شما را گاییده باشند تواضع واجد شمردید تا آبروی را به باد ندهید.
۵۹. از دشنام‌گدایان و سیلی‌زنان و چربک‌کونکان و زبان‌شاعران و مسخرگان مرنجید.
۶۰. از جماع نوخطان بهره‌ی تمام حاصل کنید که این نعمت در بهشت نیاید.
۶۱. هر دغا که توانید در نرد و قمار بکنید تا مقامر تمام گفته شوید و اگر حریف سخت شود سوگند سه طلاق بخورید که سوگند در قمار شرعی نیست.
۶۲. پیش از اتمام کار زر به کونک و قحبه مدهید تا در آخر انکار نکنند و ماجرا دراز نکشد.

۶۳. مردم بسیار گوی و سخن چین و سفله و مست و مطربان ناخوش آواز زله‌بند<sup>۴</sup> که ترانه‌های مکرر گویند در مجلس مگذارید.
۶۴. از مجلس عربده بگریزید.
۶۵. کونک و قحبه را در یکجا منشانید.
۶۶. نرد به نسبه مبارزید تا به هرزه مغز حریفان نبرید.
۶۷. کونک را با احتیاط به حجره برید و حاضر وقت باشد تا به وقت بیرون آمدن از سلاح پاره‌ها چیزی ندد.
۶۸. تا اسباب لوت و حلوا برابر چشم مهیا نشود خویش را به بنگ نزنید.
۶۹. مردمکان فضول و کسانی که بامداد روی ترش دارند و در خمار فضاحت و ملامت کنند که تو دوش شراب بد خورده‌ای و صراحی شکسته‌ای و زر و جامه‌ای بخشیده‌ای، سرشان در کس خواهرزن نهید تا دیگر زحمت مردم ندهند.
۷۰. زنان را سخت بزنی و چونان سخت بگایید تا از شما بترسند و فرمانبردار گردند و کار کدخدایی میان بیم و امید ساخته شود و کدورت به صفا مبدل گردد.
۷۱. شاهدان را به چرب‌زبانی و خوش‌آمد گویی از راه ببرید.
۷۲. بر لب جوی و کنار حوض مست نروید تا مگر در حوض نیفتید.
۷۳. با شیخان و نومالان و فالگیران و مرده‌شویان و کنگره‌زنان و شطرنج‌بازان و دولت‌خوردگان و بازماندگان خاندان‌های قدیم و دیگر فلک‌زدگان صحبت مدارید.
۷۴. راستی و مسلمانی و انصاف از بازاریان مطلبید.
۷۵. سیلی و مالش از حریفان کونده دریغ مدارید.
۷۶. از تزویر قاضیان و شنقصه‌ی مغولان و عربده‌ی کونکان و حریفی آنانی که روزگاری گاییده باشید و امروز دعوی زبردستی و قتالی و پهلوانی کنند و زبان شاعران و مکر زنان و چشم حاسدان و کینه‌ی خویشان ایمن باشید.

---

<sup>۴</sup> زله حشره‌ای است که صدای بلندی دارد و شبیه ملخ است. احتمالاً منظور خواننده‌ی بسیار بدصداست.

۷۷. از فرزندی که فرمان نبرد و زن ناسازگار و خدمت‌کار حجت‌گیر و چارپای پیر و کاهل و دوست بی‌منفعت برخوردار طمع مدارید.
۷۸. بر پای منبر واعظان، بی‌وضو تیز مدهید که علمای سلف جایز ندانسته‌اند.
۷۹. جوانی به از پیری، صحت به از بیماری، توانگری به از درویشی، غری<sup>۵</sup> به از قلتبانی، مستی به از مخموری، و هشیاری به از دیوانگی دانید.
۸۰. توبه‌کار مشوید تا مفلوک و مندبور و بخت‌کور و گران‌جان مشوید.
۸۱. حج مکنید تا حرص بر مزاج شما غلبه نکند و بی‌ایمان و بی‌مروت نگردید.
۸۲. راه خانه‌ی معشوق به مردم منمایید.
۸۳. زنان را تنها نکنید که زن تنها کردن کار محتشمان نباشد.
۸۴. از دیوئی عار مدارید تا روز بی‌غم و شب بی‌فکر توانید زیست.
۸۵. شراب‌فروشان و بنگ‌فروشان را دل به دست آرید تا از عیش ایمن باشید.
۸۶. در ماه رمضان شراب در برابر مردم مخورید تا منکر شما نشوند.
۸۷. گواهی کوران در ماه رمضان قبول مکنید اگرچه بر کوهی بلند باشند.
۸۸. از جولاهه و حجام و کفش‌گر چون مسلمان باشند جزیه مطلبید.
۸۹. در راستی و وفاداری مبالغه کنید تا به قولنج و دیگر امراض مبتلا نشوید.
۹۰. بر بنگ صباحی و شراب صبحی ملازمت واجد شمارید تا دولت روی به شما آرد که فسق در همه‌جا یمنی عظیم دارد.
۹۱. شیخ‌زادگان را به هر وسیله که هست بکنید تا حج اکبر کرده باشید.
۹۲. در شرابخانه و قمارخانه و مجلس کونکان و مطربان خود را به جوانمردی مشهور مکنید تا روی هرچیزی به شما نکنند.
۹۳. جای خود بر گدازادگان و غلام‌زادگان و روستایی‌زادگان عرض مکنید.

۹۴. از منت خویشان و سفره‌ی خسیسان و گره‌ی پیشانی خدمتکاران و ناسازگاری اهل خانه و تقاضای قرض خواهان گریزان باشید.

۹۵. به هر حال از مرگ بیرهیزید که از قدیم مرگ را مکروه داشته‌اند.

۹۶. خود را تا ضرورت نباشد در چاه میفکنید تا سروپای مجروح نشود.

۹۷. کلمات شیخان و بنگیان در گوش مگیرید که گفته‌اند:

بیت:

هر معرفتی که مرد بنگی گوید      بر کیر خری نویس و در کونش کن

۹۸. تخم به حرام اندازید تا فرزندان شما فقیه و شیخ و مقرب سلطان باشند.

۹۹. هزل خوار مدارید و هزالان را به چشم حقارت منگرید.

۱۰۰. زنه‌ار که این کلمات به سمع رضا در گوش گیرید که کلام بزرگان است، و بدان کار بندید.

اینست آنچه ما دانسته‌ایم و از استادان و بزرگان به ما رسیده و کتاب‌ها خوانده و از سیرت بزرگان به چشم خویش مشاهده کرده‌ایم - حسبہ لله - در این مختصر یاد کردیم تا مستعدان از آن بهره‌ور گردند.

بیت:

نصحیت نیکبختان یاد گیرند      بزرگان پند درویشان پذیرند

حق سبحانه و تعالی در خیر و سعادت و امن و استقامت بر روی همگان کشاده گرداند.